آنچه پیش رو دارید ترجمه ی چند اثر به قلم پدرو تیشیرا، جهانگرد پرتغالی است که در واپسین سال های سده ی شانزدهم چند سالی را در ایران سپری کرد، فارسی را نیک یاد گرفت و گزیده ای از یکی از اسناد مهم تاریخ ایران یعنی شاهنامه ی تورانشاهی را به پرتغالی بازگرداند. سندی که اصل فارسی آن از میان رفته و همین امر، اهمیت ترجمه ی وی را صدچندان کرده است. این اثر گران سنگ در بردارنده ی اطلاعات ارزشمندی درباره ی حضور ایرانیان در جزیره های خلیج فارس و حتی کرانه های عربی آن و نیز سندی در رد ادعای آنان که منکر حضور دیرینه ی ایرانیان دراین نواحی هستند، می باشد. نام های نژاد کهن پارسی ملوک هرمز، سروده های پارسی ایشان، جاینام های پارسی و از همه مهم تر شاهنامه ی پارسی زبان آنان، که نامی بسیار آشنا و گوش نواز دارد، همگی بر حضور دیرینه ی ایرانیان در هر دو کرانه ی خلیج فارس گواهی می دهد. هرچند که ادامه ی این اثر، شرح دردناکی است از دست اندازی بیگانگانی که از آن سوی دنیا، تاثیرات ویرانگری بر جنوب ایران بر جای گذاشتند به طوری که حتی ریشه کن نمودن آنان نیز نتوانست اوضاع را به روال پیشین بازگرداند.

ترجمه ی دیگری از شاهنامه ی تورانشاهی وجود دارد که به قلم گاسپار دا کروز نوشته شده اما بسیار خلاصه تر از ترجمه ی تیشیرا است ولی با این حال مترجمان انگلیسی آن را در انتهای این اثر آورده اند.